

آینه

تاریخ

کوک منتقدان دولت به مشهد

● ابراهیم رئیسی همان‌طور که منش فعالیت‌های انتخاباتی خود را حفظ کرده است و ترجیح می‌دهد سخنرانی‌ها و حضور رسانه‌ای خود را حفظ کند، در مورد اطرافیانش هم همین تلاش را داشته است. اگرچه در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست خورده‌اند اما برای اعضای ستادش احکامی صادر کرده است تا آستان قدس رضوی پایگاه این روزهای اصولگرایان باشد... که البته بیشترین میزان حضور آنها در سازمان اقتصادی رضوی است. جایی که تصمیم‌گیری در مورد نزدیک به ۴۰ هلدینگ اقتصادی را رصد و در مورد آنها تصمیم‌گیری می‌کنند. به نظر می‌رسد که او [ابراهیم ریسی] برنامه‌های مهم‌تری هم برای آینده داشته باشد که با توجه به امکانات اقتصادی آستان قدس دست آنها را برای آینده بیشتر باز می‌گذارد. در این میان خبرهای جدیدتری در مورد احتمال تغییر در برخی سازمان‌های زیرمجموعه آستان قدس رضوی نیز به گوش می‌رسد که قرار است سایر اعضای ستاد ابراهیم رئیسی نیز به آستان قدس رضوی اضافه شوند... رای یکپارچه مردم مشهد در شورای شهر... اصلاح‌طلبان را بر سر کار آورده است [اما] حالا در آستان قدس رضوی پایگاه اصولگرایان از همیشه قوی‌تر شده است. بااین‌همه آغاز تجمعات از شهر مشهد آن هم با شعار علیه رئیس‌جمهور از یک سو و همچنین اشاره رئیس دفتر رئیس‌جمهوری به آغاز شایعه استغفای رئیس‌جمهور از این شهر نشان می‌دهد که رخدادها در مشهد شکل دیگری به خود گرفته است.

کیمیا

شوخی با کنجشک‌ها

● در این‌ میان برخی به‌اصطلاح تحلیلگران به طرز عجیب‌وغریبی سعی دارند به مشتریان خود بقبولاند که عامل و منشأ این آشوب و اغتشاش هرچه باشد، خارجی نیست و به آنهایی که از دشمن و نقش آن سخن می‌گویند، نهیب می‌زنند که ۴۰ سال از توطئه دشمن گفتید و دیگر پس است! نمونه‌اش بیانه دیروز ۱۶ تن از فعالان اصلاح‌طلب که مدعی شده‌اند: «تمرکز روی عوامل خارجی، علاوه‌بر توهین به جامعه ما، باعث غفلت یا تغافل از ریشه‌های اعتراض و نارضایتی و درمان آنها می‌شود». ملت ایران سال‌هاست که از سه جبهه مورد تهاجم جدی دشمن قرار گرفته است: جبهه امنیتی- نظامی، اقتصادی و فرهنگی. اگر امروز در جبهه امنیتی- نظامی اقتدارمان از مرزها نیز عبور کرده و یاری‌ران سایر مظلومان و مستضعفان منطقه نیز هستیم، به سبب آن است که فرماندهان این جبهه ماجرا را جدی گرفتند و آستین بالا زدند و جهاد کردند. در جبهه فرهنگی هم که پیشانی و خط مقدم آن عرصه سادک و جنگ برای نفوذ در مغزها و قلبها و تسخیر دژ افکار عمومی است، چنان عمل کردیم که شخصا نمی‌دانم اگر نامش خیانت نیست، چه عبارتی برای آن باید به کار برد. عنان سبک زندگی و افکار عمومی کشور را به دست فضای مجازی سپردیم.

جمهوری اسلامی

از سران فتنه ۹۶ چه خبر؟

● در عصر حاکمیت ارتباطات، از تلگرام به‌عنوان عامل فساد اسم می‌برند و از بسته شدن فضای مجازی سخن می‌گویند و توجه ندارند که اینها ابزار رشد و توسعه انسانی‌ها و جوامع هستند، اینها این نیست که اگر کسی‌ها به فتنه سازنده نبود، شعار حذف آن را بدهد و اصلا مگر این کارها عملی است؟ آن هم کشوری که داعیه‌دار نجات و هدایت انسان‌هاست. خود را از ابزار تماس با جهان محروم نماید و سیستم پیام‌رسان داخلی که اصلا قادر به رقابت نیست در جایگزین نماید و مگر ایران مثلا کره‌شمالی است که بخواهد دور خود دیوار بکشد و یک حکومت بسته داشته باشد؟ از طرف دیگر چرا نظام جمهوری اسلامی پس از ۴۰ سال این‌گونه آسیب‌پذیر جلوه داده می‌شود که یک شبکه مجازی و گران‌شدن چند قلم جنس و هدیان‌گویی یک شاهزاده سعودی و حرف‌های مسخره رئیس‌جمهور اححق آمریکا می‌تواند آن را این چنین بهم بریزد؟ آیا آنان که زمینه‌ساز واقعی فتنه ۸۸ بودند، در این ماجرا نقشی ندارند؟ آیا از مخالفان جدی دولت ردیابی در میان نیست؟ واقعیت این است که مردم اگرچه به‌خطر حفظ نظام ساخت ساکت شده‌اند ولی قانع و توجیه نگردیده‌اند و تا این سؤال پاسخ داده نشود، نمی‌توان ادعا کرد مسئله پایان یافته است. آنچه این روزها در کشور گذشت، بیشتر به نتائری شباهت داشت که آغاز و پایانش را یکی نوشته باشد تنها تفاوتی که با ماجراهای گذشته دارد این است که در تور پهن‌شده توسط دشمنان نظام ما‌هی درشتی به دام نیفتاد و آن فردی که ظن و گمان همه بزرگان و فتنه‌شناسان به او بود و برایش خط‌ونشان می‌کشیدند، همین روزها به خوزستان رفته و باز سخنرانی و افشاکاری کرده که من تا آخر ایستادم! پس لاجرم باید گفت: پیدا کنید پرتقال‌فروش را!

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

«اشتفان شولتز»، سفیر اتریش در ایران، در گفت‌وگو با «شرق»

انگلستان صدای منطق در میان ما بود

اروپا روی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا تأثیری ندارد



عکس: رونوفا رستنی، شرق

لیلا ابراهیمیان

از سربلایی خیابان «احمدی‌زمانی» تا بن‌بست «میرولی» راهی نیست: اولین راهنمای این مسیر پرچم افراشته قرمز، سفید، قرمز است به‌همراه نشان ملی. در این خیابان نه ازحامی است و نه مهابویی؛ جز چند نفر جوان منتظر که شاید برای مصاحبه یا درخواست ویزا به‌صفت در مقابل در ایستاده‌اند. گاه باد ملایمی در میان شاخه‌ها به حرکت درمی‌آید و به صورت زمستان سیلی می‌زند. انتظار، لحظه‌ای بیشتر طول نمی‌کشد و جوان در را با کشاده‌روی باز می‌کند. بعد از گذشتن از راهرویی کوچک و بالارفتن از پله‌ها، در اتاقی با دکوراسیون چوبی گشوده می‌شود. میزبان، دعوت می‌کند به نشستن و گفت‌وگو آغاز می‌شود. او درباره به تاریخ روابط ایران با کشورش اشاره می‌کند؛ رابطه‌ای که از دوران شاه‌اسماعیل اول صفوی آغاز شده و در دوره قاجاریه با تأسیس دارالفنون، شکل گرفته و به خود گرفته است. در دوره امیرکبیر، عملیاتی از کشور اتریش، برای تدریس به دارالفنون دعوت شده‌اند. «اشتفان شولتز، سفیر اتریش در ایران، این رابطه تاریخی را نقطه مشترک همکاری دو کشور می‌داند؛ رابطه‌ای که به گفته او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دوران پرتنشیی به خود ندیده و همواره در این ۱۶۰ سال ادامه یافته است. اتریش، کشوری کوچک در اروپای مرکزی، یکی از اعضای اتحادیه

منتشر نشده است. اما من سال‌ها قبل از آمدن به ایران یکی از مسئولان تعیین سیاست‌های راهبردی اتریش با ۱۱ کشور مهم از دید سیاست خاره‌جری اتریش و سه کشور سوریه، عراق و ترکیه بودم. می‌توانم در این حد بگویم که هزینه‌های ایجادشده برای اتریش معادل بودجه سالانه برای دو کشور از این بین بوده است البته این با خواست خود اتریش و به‌عنوان سهمی برای ایجاد صلح و ثبات در منطقه پرداخته شده است. اتریش می‌خواست اثرات ضرر ناشی از تحریم‌ها را که به ایران وارد شده بود رفع کند تا ایران مجدداً به‌عنوان عضو عادی جامعه جهانی به رسمیت شناخته شود.

● مبلغ دقیق این هزینه‌ها چقدر است؟

یک عدد یک‌رقمی میلیون یورویی، عددی نزدیک به دورقمی.

● شما در این تبیین دیدگاه فقط به‌نفع ایران اشاره کردید و به آنچه اتریش و در آس آن اتحادیه اروپا دنبال آن است، اشار‌راده نشده. به‌نظر شما چرا برجام برای اتحادیه اروپا اهمیت دارد؟

اتریش از دهه ۷۰ میلادی نقش پررنگی در صلح خاورمیانه بازی می‌کند. من بعداً درباره مناسبات تاریخی-اقتصادی ایران و اتریش صحبت خواهم کرد؛ ایران و اتریش ۷۰۰ سال روابط مستند جامعه مدنی را در تاریخ روابط خود دارند. ۵۰۰ سال روابط اعزام هیئت‌های دیپلماتیک و امسال صدوشصتمین سال روابط کامل دیپلماتیک را جشن خواهیم گرفت. براساس اطلاعاتی که من دارم اتریش تنها کشور اروپایی است که در دوره انقلاب‌ها،

خود در ایران را باز نگه داشت. اولین مقام بلندمرتبه دولتی و اولین رئیس‌جمهور غربی بعد از انقلاب رئیس‌جمهور اتریش بود که به تهران سفر کرد. اولین رئیس‌جمهور غربی که پس از رفع تحریم‌ها به ایران سفر کرد هم رئیس‌جمهور اتریش بود. هوایمایی اتریش تنها هوایمایی‌ای بود که ارتباط پروازی خود را با تهران در دوره تحریم ادامه داد. این بخش سیاسی و احساسی دوستی دیرینه ایران و اتریش است. ایران قبل از انقلاب دومین شریک تجاری اتریش خارج از منطقه اتحادیه اروپا بود. هدف من به‌عنوان سفیر این است که در چهار سال سطح روابط تجاری را به این حد برگردانم. اتریش بعد از پایان دوره کمونیست در شرق اروپا نقش بسزایی به‌عنوان عرضه‌کننده دانش و فناوری و همچنین نزدیکی و آشنایی با بازار آزاد ایفا کرده است. در بیشتر کشورهای شرق اروپا، بانک‌ها و بیمه‌های اتریشی نقش اول را در تحول اقتصادی آنها داشته‌اند. اکنون بعد از ۲۵ سال از فروپاشی کمونیسم، اقتصاد این کشورها جزء باثبات‌ترین اقتصادها هستند که رشد اقتصادی آنها در حال حاضر بالاتر از رشد

● در طول مذاکرات چقدر برای هزینه‌های جانبی صرف شد؟
میزان هزینه‌ها به دلایلی که منطقی هم بوده

داشته است. اینها ازجمله وظایف دولت است ولی پیشنهاد مقام عالی رهبری ایران دو بعد داشت که درباره یک بعد آن کمتر صحبت شده است. بخشی که آن کمتر توجه شده، توسعه بخش خصوصی در ایران است. ایران زیرساخت‌های توسعه‌ه فوق‌العاده‌ای دارد؛ بنگاه اقتصادی نیمه‌دولتی، بنیادها و سیاه را دارد؛ تجار باذکاتوی دارد؛ اما آنچه از دید اتریش حلقه گمشده اقتصاد ایران است، بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدکننده است.

● بنگاه‌های کوچک و متوسط؟

منظور بنگاه‌های کوچک تولیدکننده است و نه بازاری‌ها و تجار. اینها یک تکیه‌گاه و به‌نوعی ستون فقرات اقتصادی اتریش هستند. آنچه باعث موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط شده آموزش فنی‌وحرفه‌ای است؛ با این کیفیت و با این ساختاری که در کشورهایمانند سوئیس، اتریش و آلمان موجود هستند. آموزش فنی‌وحرفه‌ای آموزش دوگانه‌ای است که هم در مدرسه فنی‌وحرفه‌ای، فرد آموزش می‌بیند و هم از طریق محیط کار امکان آشنایی و ورود به دنیای کار و دانش آکادمیک را خواهد داشت. از این طریق فرد هم اشتغال‌آفرین می‌شود و هم استارت‌آفرینی که در بدو شروع به کار موفق باشند، می‌توانند در اقتصاد ایران سهمی داشته باشند.

● چقدر تجربه اتریش می‌تواند در ایران به کار آید؟

یکی از وظایف اصلی سیاست و دیپلماسی اتریش این‌ است که به فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران انگیزه دهد تا بازارها را بررسی کنند. یکی از ابزارهای این کار بررسی بازارها و ارزیابی بازار مقصد از طریق تدارک سفرهای تجاری با موضوع خاص است. در این حوزه سعی می‌کنیم تمرکزمان روی شرکت‌های بزرگ ایرانی باشد. به اعتقاد ما ایران در صنعت خودرو قوی‌ترین صنعت را در خاورمیانه دارد. شرکت‌هایی در اتریش هستند که از نظر فناوری در حوزه خود جژه پیشروها در جهان به حساب می‌آیند. همکاری با این شرکت‌ها وابستگی ایجاد نمی‌کند. اتریش تنها برای بازار ایران بلکه با توجه به نقش و حضور ایران در کشورهای منطقه، دوست است در این حوزه برای حضور در بازارهای کشور ثالث با اقتصاد ایران همکاری کند.

● بعد از برجام بزرگ‌ترین هیئت اقتصادی ۲۰۰ نفر از اتریش به اِسران آمد و از ایران هم هیئتی ۲۰ نفره به اتریش رفت که این موضوع به‌لحاظ کمیت و کیفیت در میان کشورهای اروپایی شاخص بود. بعدها بارها رفت‌وآمد این هیئت‌های تجاری تکرار شد. نتیجه این سفرها به کجا انجامید؟

یکی از همکاریان من می‌گفت کوهی از یادداشت تقاضم امضا شده، ولی جز چند مورد انگشت‌شمار منجر به قرارداد نشده است. اتریش نقش محوری در این چند قرارداد امضا شده دارد؛ براساس یکی از اینها، شش بیمارستان در حال برنامه‌ریزی، اجرا و ساخت هستند. اینها بیمارستان‌های نسل پنجم‌اند، مدرن‌ترین بیمارستان‌ها که به‌صورت دیجیتال اداره می‌شوند و با فناوری مهندسی روز ساخته خواهند شد.

● این بیمارستان‌ها در تهران ساخته می‌شوند؟
بله ازجمله در منطقه ۲۲ تهران هم اکنون سازه

یکی از آنها دیده می‌شود و بعدی در شهر قم ساخته می‌شود. این بیمارستان‌ها، ۳۰۰ تا ۸۰۰ تختخوابی با برنامه‌ریزی و دانش و اجرای مجموعه اتریشی انجام شده است. کارفرمایان این پروژه‌ها، تا‌حال تجربه همکاری با شریک خارجی را نداشته‌اند، بااین‌حال شریک اتریشی را برای خود انتخاب کرده‌اند. نمونه بارز آن، شرکت «MedAustron» با فناوری یورویی قرار است چندین بیمارستان از این نوع در ایران و منطقه ساخته شود. جناب آقای دکتر روحانی، ریاست محترم جمهوری، در آینده نزدیک کلنگ کارخانه فولادی را با سرمایه‌گذاری ۸۰۰ میلیون یورویی که اتریش در اینجا نقش اساسی را خواهد داشت و عرضه‌کننده اصلی فناوری این خط تولید خواهد بود، بر زمین خواهد زد. اتریش در حوزه مدرن‌سازی خط آهن ایران که کشورهای دیگر همکاری می‌کند، عددی که شما از آن خبر ندارید این است که ۴۰ درصد سوزن‌های خط آهن در ایران از طرف شرکت‌های اتریشی بوده است. این فهرست طولانی است. اتریش نمی‌خواهد فقط صادرکننده کالا به ایران باشد، بلکه خود را شریک سیاست‌های اقتصادی ایران می‌داند و می‌خواهد در کنار دولت ایران باشد.

● در روابط تجاری ایران و اتریش، به خط اعتباری یک میلیارد یورویی اتریش برای همکاری با ایران اشاره شده است. نتیجه این تصمیم به کجا انجامید و آیا بار دیگر چنین خطوطی باز می‌شود یا نه؟

آنچه شرکت‌های اتریشی به آن غیبه می‌خورند، این است که بخشی زیادی از این خط اعتبار برنامه‌ریزی‌شده است. تقاضا برای آن زیاد بود. تأکید می‌کنم این‌ خطوط، اعتباری برای کالاهای مصرفی ندارد، بلکه برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت زیرساختی است که نفع و سود آن شاید به دو نسل آینده نیز برسد.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱

بودجه و اشتباه #پشیمانیم

امکان اینکه نرخ ارز را در بازار پایین بیاوریم، وجود ندارد پس برای تکنرخی‌شدن باید نرخ ارز دولتی را بالا برد و چون تقاضای ارز در بازار زیاد است (از جمله برای مهاجرت و خارج‌کردن سرمایه به مقصد کشورهای مثل کانادا)، بنابراین نرخ ارز آزاد همواره بالا می‌رود و دولت هم به تبع آن، نرخ را بالا می‌برد. دولت هم خواسته یا ناخواسته از این امر خوش می‌آید چون به پول نیاز دارد. شورای محترم نگهبان با استفاده از قاعده «نفی سبیل» ورود آقای سینتا نیکام به شورای شهر یزد را خلاف شرع اعلام کرد. بگذریم از بحث‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است و در اینجا از موضوع خارج است، اما اگر به قاعده «نفی سبیل» که براساس آیه شریفه «ولن یجعل الله للکفرین علی المؤمنین سبیلاً»است،اعتقاد داریم به‌خوبی باید بدانیم که در موضوع واردات «نفی سبیل» کاملاً نفی شده و نه تنها سبیل (راه) برای همه نوع از کافران باز است که شاهراه را برای آنان بازکرده‌ایم. وابسته‌شدن خانواده‌های ایران به کالاهای لوکس خارجی برکسی پوشیده نیست، اما گویی فقط «سپنتای ایرانی» مصداق نفی سبیل قرار گرفته است. دولت‌های ما هم دائم بزرگ و بزرگ‌تر شده و خرج آنها بیشتر و بیشتر می‌شود و نمایندگان مجلس هم این خرج‌ها را اضافه می‌کنند پس دولت باید هر چه بیشتر ارز بفروشد، آن را گران‌تر کند، عوارض مختلف را افزایش دهد. نرخ حامل‌های انرژی را بالا ببرد و غیره. در اینجا منتقدان که معمولاً با حقوق‌بگیران هستند با حامیان اجتماعی، به افزایش قیمت‌ها ایراد می‌گیرند و به کم‌شدن قدرت خرید حقوق‌بگیران متوسل می‌شوند و می‌گویند دولت کمتر بگیرد و بیشتر بدهد و بعضی هم عوام‌فریبانه می‌گویند این‌همه در آمد نفت چه می‌شود؟ درحالی‌که باید بدانیم درآمد نفت هر چقدر باشد، باید به‌نوعی به ربال تبدیل شود و دامنه این امر هم محدود است. این مختصر را آورده‌ام که روشن شود بحث‌هایی مانند اینکه «از رای دادن پشتیبان شدیدم» و مشابه، چقدر بی‌استدلال و بی‌منطق است. آیا به این نمی‌اندیشند که این دولت همچنان آواربرداری دولت‌های نهم و دهم را می‌کند و حداقل روند تخریبی گذشته را در جای خود مسدود کرده و خوب البته نه این دولت و نه دولت‌های مشابه قبلی قابل آینده، اگر خوب باشند نمی‌تواند روند رو به‌رشدی برای سرزمین ایران را رقم زند. مثلاً اگر رای نمی‌دادم چه می‌شد؟ آیا معادلات مالی می‌توانست به دلخواه منتقدان این‌چنینی صورت گیرد؟ مسائل اجتماعی کشورمان، دولت بزرگ‌شوند، ایجاد توقعات دائم‌التزاید از سوی خود مسئولان کشورمان، تمایل به وجهی‌المهلشدن، برآورد اشتباه از امکانات و ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی، خودبزرگ‌بینی‌ها وسیاست‌های پوپولیستی و محافظه‌کارانه، توقعات را افزایش داده و می‌دهد و دولت‌ها هم با وعده و ان‌شاء‌الله و ماشاء‌الله دوره خود را پایان می‌دهند. سرباز پایان‌یابندیر بخت‌ها بودجه، تدوین بودجه، تصویب در دولت، تقدیم به مجلس، نقد رسانه‌ای، بحث در کمیسیون‌های خاص مجلس، جمع‌بندی کمیسیون تلفیق، ارائه به صحن مجلس، نطق‌ها و پیشنهادهات موافقان و مخالفان ده‌ها سال است ادامه دارد و هیچ تغییر ماهوای در بودجه‌ها دیده نشده است. در حالی که مسئولان می‌توانند مستقیماً مردم را با مسائل کشور آشنا کرده و با مشارکت آنان سیاست‌های آینده‌نگران را به مردم اعلام کنند. درهمین راستا، رئیس‌جمهور تلویحا اشاراتی به این مسائل کرده‌اند و به‌طور مثال به جای استفاده از بهبود معیشت مردم، واژه برطرف‌کردن فقر مطلق را برگزیده‌اند اما کافی نیست. این می‌تواند با وجود مشکلات طبیعی مانند خشک‌سالی، زلزله و ... از بهترین سرزمین‌های دنیا باشد و می‌توان این امید را به مردم داد و تصویری مطلوب از آینده و نقشه راه آینده را نشان داد اما این نقشه راه نمی‌تواند برنامه ششم مصوب باشد، چراکه این برنامه چنگی است، ابدۀال‌ها و نظرات تدوین‌کنندگان که می‌خواهد همه مسائل را با هم حل کند و همه هم می‌دانند که ممکن نیست. اگر دائم در سخنان به مردم امید داده شود، ولی عملاً مردم تصویر آینده را کور ببینند طبعاً امید درون آنها زایل می‌شود.در همین بحث بودجه سالانه به چند مثال اکتفا می‌کنیم:

الف- در بودجه سال ۹۷ برای رفع مشکل سد «گتوند» درایچه ارومیه در سال ۹۶ و ۹۵ فقط مقدار کمی پرداخت شده، چه اعتباری منظور شده است. ج- برای رفع معضلاتی که کشاورزی کشور را تهدید می‌کند، چه پیش‌بینی شده است؟ د- برای پسماند‌های شهری که به‌ویژه شهرهای شمالی را تهدید می‌کند، چه پیش‌بینی شده است؟ ر- برای تصفیه فاضلاب شهرها چه تمهیداتی مقرر شده است؟

درست است که ممکن است برخی کارهای ذکرشده به قانون بودجه چندان ربطی نداشته باشد و بگویند در برنامه ششم دیده شده است واحیاناً مبالغی جزئی در فهرست طرح‌های عمرانی دیده شده که چندان تخصیص داده نمی‌شود. اما همه باید بدانیم به دلایل ذکرشده معمولاً فقط درصدی از قانون‌های برنامه عملی شده است. به احتمال قوی، این نوشته تأثیری در سرنوشت بودجه ندارد، اما نگارنده امیدوار است نقادان فرهیخته بودجه به مسائل اصلی کشور و خلایکی که برای مسائل کشور در بودجه وجود دارد، بپردازند؛ وگرنه این قانون بودجه هم مثل قانون بودجه‌های سال‌های پیش، مانند مشق شب است و هیچ تأثیری در سرنوشت اقتصادی، اجتماعی آینده نخواهد داشت.